

مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان کلانشهر مشهد

محمدحسن شربتیان^{۱*}، پروانه دانش^۲، اعظم احمدی^۳

چکیده

امنیت از مهمترین مولفه‌های اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی هر جامعه‌ای است که با توجه به حوزه مطالعات جامعه شناختی این مولفه برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی لازم است. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه عواملی است که موجب ایجاد و ارتقاء امنیت اجتماعی زنان در کلانشهر مشهد می‌گردد. چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از آراء و رهیافت‌های نظری (قدرت محور، هویت محور، فمینیستی، نظریه فضای دفاع قابل شهری و....) است. این پژوهش در سال ۱۳۹۲ براساس روش پیمایشی در بین زنان ۲۰ تا ۶۴ ساله، با حجم نمونه ۳۹۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و خوشه‌ای در مناطق شهری مشهد و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته انجام شد. متغیرهای، حمایت اجتماعی، نگرش فرد به خود، امنیت اقتصادی، نگرش به پوشش، مقاومت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و برنامه‌ریزی و طراحی شهری به عنوان عواملی بودند که رابطه آنها با متغیر وابسته امنیت اجتماعی سنجیده شد. درنهایت با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره می‌توان نشان داد که استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش به پوشش، طراحی و برنامه‌ریزی شهری، نگرش فرد به خود و امنیت اقتصادی با امنیت اجتماعی رابطه معنادار دارد. هم‌چنین برای مقایسه میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر مشهد با توجه به منطقه محل سکونت، ابتدا جامعه آماری را به دو گروه تقسیم کردیم: گروه اول زنانی هستند که در مناطق بالا شهر و گروه دوم زنانی که در مناطق پایین شهر مشهد سکونت داشته‌اند؛ سپس از آزمون T برای مقایسه و تفاوت سطح معناداری بین این دو گروه استفاده کردیم. طبق نتایج بین مناطق محل سکونت زنان و امنیت اجتماعی آنان تفاوت معناداری مشاهده نگردید. به طور کلی میزان امنیت اجتماعی زنان در شهر مشهد، در سطح متوسط (۵۸/۲٪) به دست آمد. تاثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در مدل تحلیل مسیر نشان داد که رسانه‌های جمعی بیش‌ترین اثر را امنیت اجتماعی گذاشته است. در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادهاى کاربردی را برای ارتقاء سطح امنیت اجتماعی زنان بیان کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، برنامه‌ریزی شهری، پوشش، زنان، رسانه‌های جمعی، مشهد، نگرش فردی.

^۱ - عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

^۲ - استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

^۳ - دانش‌آموخته ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

* - نویسنده مسوول مقاله: sharbatian@gmail.com

مقدمه

امنیت که از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز به شمار می‌آید از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان و یا اختلال در آن، پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد (Torabi et al, 2004, p.31)، به طوری که، انسان اجتماعی برای زندگی در جمع و دست‌یابی به مراتب بالای رشد نیازمند امنیت خاطری است که با رشد جرایم و انحرافات اجتماعی زمینه‌های ناامنی در سطح جامعه بیش‌ترین دلهره را ایجاد می‌کند. با توجه به این عوامل وجود امنیت در قالب مصادیق بیرونی و عینی^۱ در چارچوب رعایت نظم و کنترل اجتماعی از مشارکت پایدار شهروندان و نهادهای حکومتی و دولتی قابل مطالعه و ارزیابی می‌باشد. در مقابل مطالعه امنیت اجتماعی یک بعد ذهنی^۲ و مفهومی درونی است، که در بین گروه‌های اجتماعی از جمله زنان در جامعه ما از اهمیت بسیاری برخوردار است. در واقع فقدان عوامل تهدید کننده فردی و احساسی که به این گروه اجتماعی در جهت به خطر افتادن امنیت‌شان بدست می‌دهد، باعث می‌شود عدم وجود احساس درونی ناامنی شکل گیرد. در رابطه با امنیت اجتماعی تحقیقات انجام گرفته نشان از وجود احساس امنیت در بین زنان بیش‌تر از مردان، در بین متاهلین بیش‌تر از مجردین، در بین افراد شاغل بیش‌تر از بیکاران، و در بین افرادی با سطح تحصیلات پایین بیش‌تر از افراد تحصیل کرده دارد (RajabiPour, 2004, p.25). با این اوصاف، افراد مختلف با توجه به تنوع محیط پیرامونی، بینش متفاوتی از مقوله‌ی امنیت داشته و احساس امنیت را با توجه به نظام اقتصادی، نظام سلامت و تجربه‌های فردی ناامنی، متغیر دانسته و دلهره‌ی ناشی از احساس ناامنی را بیش‌تر از لایه‌های عینی و واقعی ناامنی و وقوع جرم، در اذهان دارند (Lindstrom, 2003).

امنیت اجتماعی می‌تواند با امنیت یا همان نظم اجتماعی که در سطح هر جامعه‌ای باید باشد تناسب واقعی داشته باشد، یا متناسب نباشد، یعنی در شرایطی که امنیت عینی در جامعه معنا و مفهومی نداشته باشد، فرد یا گروه اجتماعی می‌تواند هم امنیت اجتماعی بنماید، یا اینکه آنقدر در سطح جامعه عوامل ایجاد کننده امنیت بسیار پایدار است که فرد یا گروه اجتماعی امنیت اجتماعی نمی‌کند. «بدون تردید امنیت اجتماعی مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت‌ها هزینه، زمان و امکانات و سعی را برای تأمین آن صرف می‌کنند. مقوله امنیت اجتماعی به مثابه یک آرمان و واقعیت به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت ره آورد مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف نظام اجتماعی می‌باشد.» (Ahmadi et al, 2010, p.170)

¹. Objective

². Subjective

با توجه به تغییرات اجتماعی و تحولات جمعیتی که در اغلب جوامع توسعه یافته و در حال توسعه از جمله جامعه ما رخ داده، نگرانی از امنیت در هر سطحی نمود پیدا کرده است، در دهه اخیر با توجه به فراز و فرودهای اقتصادی و فرهنگی که حاکم بر جامعه ما شده زندگی اجتماعی شهروندان را از جمله گروه اجتماعی زنان را به شدت دگرگون ساخته این تغییرات از یکسو ناامنی اقتصادی و شغلی را با خود به همراه آورده است، که بسیار مسئله جدی است، و با کاهش روبه تشدید امنیت اقتصادی، ناامنی ذهنی در جامعه افزایش یافته، آسیب پذیری شهروندان در حال گسترش بوده و همین تهدیدات باعث شده که سلامت شهروندان به خطر افتاد، در نتیجه اعتماد و سرمایه اجتماعی جامعه کاهش یافته است (Firoozabadi, etal,2004)

علاوه بر این در دهه‌های اخیر اشتغال زنان در حوزه عمومی و اختصاص دادن بخشی از زمان زندگی اجتماعی این دسته از شهروندان در خارج از حوزه خصوصی (خانه) در نتیجه مواجهه با آسیب‌های اجتماعی را امکان‌پذیرتر کرده، از این رو چنین به نظر می‌رسد که امنیت اجتماعی آسیب‌های زنان در دهه‌های اخیر برای جامعه علمی و انتظامی به دلیل پایین‌تر بودن از جامعه مردان از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ بنابراین براساس یافته‌های تحقیقات مختلف در زمینه احساس ناامنی زنان در جوامع شهری بالاخص کلانشهرها نسبت به بافت‌های کوچک شهرستانی و روستاها که هنجارهای محدودتری برای زنان در عرصه عمومی می‌توان مشاهده نمود، ناامنی بسیاری قابل ارزیابی است (Ibid). در چنین شرایطی کلانشهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر ایران از نظر امنیت عمومی و همگانی بسیار با اهمیت است، لذا در این تحقیق امنیت اجتماعی زنان به عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی شده است و نیاز به مطالعات میدانی و تحقیق در این زمینه را برای پژوهشگران می‌طلبد.

وجود امنیت اجتماعی یا امنیت ناشی از ارزش‌های جدید و نظام ارزشی حاکم بر جوامع که سلول‌های بنیادی و منظومه هویتی جامعه را در بر می‌گیرد، هسته اساسی امنیت را شامل می‌شود، تحول در ارزش‌ها زمینه ساز بحران‌های مختلف از جمله فقدان امنیت اجتماعی برای گروه‌های اجتماعی از جمله (زنان، کودکان، و ...) آسیب‌های اجتماعی و بحران هویت خواهد شد، که این امر با پیامد خطر هستی و کیان جامعه رابطه مستقیم دارد. بنابراین «امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و نهراسیدن است. یعنی امنیت اجتماعی (حالات و موقعیت‌های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت‌های عینی و برون‌ی) دز این واژه نهفته است. (Muezzin Jami,2000.p19)

امنیت اجتماعی به عنوان زمینه و بستر قضاوت شهروندان و گروه‌های اجتماعی از زوایای مختلف قابل مطالعه است؛ در واقع امنیت اجتماعی را می‌توان در سطح فردی (روانشناختی) و در سطح جمعی (جامعه‌شناسی) مورد تعمق قرار دارد. «از دیدگاه جامعه‌شناسی امنیت اجتماعی در

واقع یک تولید اجتماعی است، یعنی همه نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش دارند با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از جمله حاکمیت، پلیس و... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی و لاینفک دارند.» (Rezai, 2006, p5).

امنیت پدیده‌ای چندبعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهان مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکانپذیر است. در این پژوهش نیز که امنیت اجتماعی زنان مورد بررسی قرار گرفته، به این مسئله از جهات مختلف اشاره شده است. امروزه با گسترش مدرنیته و بالارفتن ارتباطات و اطلاعات و مشکلات ناشی از آن مانند، افزایش تورم و هزینه‌های بالای زندگی، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن از یکسو؛ و بی‌سوادی و بی‌سپرستی در جامعه از سوی دیگر در کلان‌شهر بزرگی چون مشهد، مشارکت زنان پایه پای مردان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و ... را امری ضروری نموده است. عده‌ای برای تأمین نیازهای اولیه خود مجبور به کارکردن در بیرون از منزل هستند، اما مسئله اشتغال زنان خود تبعات فراوانی را به همراه دارد که مهمترین آن‌ها ناامنی محیط‌های شغلی و احساس عدم امنیت زنان در محیط کار است.

به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که امنیت اجتماعی در آن جامعه و چه بسا امنیت اجتماعی در جامعه مهم‌تر از وجود امنیت است؛ چراکه واکنش‌های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس امنیت اجتماعی نیز نخواهد کرد. تا زمانیکه زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و ... احساس آرامش نداشته باشد، مسلماً امنیت اجتماعی نیز نخواهد کرد. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و ... همگی می‌تواند در امنیت اجتماعی اجتماعی مؤثر واقع شوند (Nouroozi et al, 2009, p131).

امنیت اجتماعی زنان در جامعه از جمله کلانشهرهای ایران حالتی است که آحاد جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد امنیت اجتماعی زنان در کلانشهرهای ایران از جمله مشهد به احساس روانی شهروندان زن به میزان جرم وجود یا عدم وجود و شرایط جرم خیز در آن شهر باز می‌گردد؛ بنابراین در این مقاله و تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال بودیم که امنیت زنان از بعد اجتماعی و روانی چگونه سنجیده می‌شود؟

در چند سال اخیر، ترکیب تحولات جمعیتی و اقتصادی اغلب جوامع توسعه یافته و روبه توسعه از جمله جامعه ما را دستخوش تغییرات و پیامدهای ناگوار در عرصه‌های مختلف بالاخص در حوزه امنیت و افزایش احساس ناامنی بویژه در کلانشهرها مورد نگرانی و دغدغه دانشگاهیان و مسئولین امر قرار داده است.

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد و گروه‌های اجتماعی جامعه مربوط می‌شود که در تعامل با یکدیگر، ارتباط با جامعه و سازمان‌های اجتماعی و نهادهای حکومتی معطوف می‌گردد که به طور مستمر و در طول زندگی روزمره اعضای جامعه با این پدیده در حوزه‌ها و قلمروهای مختلف روبرو می‌شوند و زندگی آن‌ها مستلزم ارتباط در این عرصه‌ها می‌باشد. با توجه به این امر مولر معتقد است که «امنیت در مفهوم عینی آن اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت اشاره دارد. امنیت توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است، امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویت-شان در خطر است.» (Moller, 2000, p1).

وجود امنیت اجتماعی در بین گروه اجتماعی زنان از بعد روانشناختی عبارت از احساس اعتماد، آرامش و رهایی از اضطراب و ترس در رابطه با برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده می‌باشد. بر اساس این ضرورت مشخص می‌شود که امنیت برای شهروندان از جمله زنان یک احساس اهتمام بخش بوده و دوم اینکه این احساس مرتبط به رفع نیازهای شخصی زنان در حال و آینده می‌باشد، به همین دلیل اینکه زنان بتوانند آینده خود را در جهت رفع نیازهای شخصی پیش بینی کنند امری ضروری برای امنیت اجتماعی به شمار می‌رود. با این وجود امنیت زنان از زندگی اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس ایمنی می‌کنند. با توجه به این ضرورت «امنیت اجتماعی زنان در سطح خرد که اشاره به روابط بین افراد در حوزه کار، تحصیل، خویشتاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل، تجاوز، ربایندگی و غیره و برخوردهای اقتصادی، اجتماعی زنان، امنیت اجتماعی این گروه اجتماعی را شکل می‌دهد.» (Bayat, 2009, p6). بر این اساس امنیت گروه اجتماعی زنان با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. امنیت اجتماعی فرایندهای روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد زنان تحمیل نمی‌شود، بلکه اکثر اعضای این گروه اجتماعی در جامعه براساس نیازها، علائق، خواست‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند.

در یک پیمایش ملی نتایج امنیت اجتماعی برای کل جامعه ایران نشان می‌دهد که «۵۲ درصد از افراد دارای امنیت اجتماعی اجتماعی زیادی، ۲۷ درصد متوسط و ۲۱ درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند. این میزان برای استان‌های خراسان بدین‌گونه است که ۴۳/۶ درصد افراد دارای امنیت اجتماعی زیاد، ۳۲/۲ درصد امنیت متوسط و ۲۴/۲ درصد احساس بی‌امنیتی اجتماعی می‌کنند. ملاحظه می‌شود که این میزان کمتر از میانگین امنیت

اجتماعی کل کشور است. هم‌چنین از دیگر نتایج این تحقیق این است که ۲۱ درصد افراد احساس ناامنی را کم اهمیت و حدود نیمی (۵۶ درصد) امنیت اجتماعی را مشکل اصلی تلقی می‌نمایند. (Azimi Hashemi, 2005, p90). با توجه به نتایج حاضر می‌توان اشاره به این کرد که عوامل متعددی در ایجاد احساس ناامنی زنان دخالت دارد که می‌توان به مواردی چون کاهش باور عمومی نسبت به مجریان، برقراری و حفظ نظم، وجود فرهنگ شفاهی با کارکرد قوی، ایجاد شایعه در بین مردم، فقدان نظان آموزشی و اطلاع‌رسانی فعال جهت ارتقاء دانش و بینش امنیتی جامعه اشاره کرد. بنابراین اهمیت بررسی و شناخت ابعاد زوایای امنیت اجتماعی در کلانشهرهای جامعه از این جهت ضرورت دارد که کنشگران در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روانشناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش اقدام می‌نمایند، لذا ارزیابی و احساس زنان از فضای کنش نقش بستری و زمینه‌ساز در این تصمیم‌گیری ایفاء می‌نماید، چرا که رابطه بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (امنیت اجتماعی) مبنای تصمیم‌گیری افراد می‌باشد.

با توجه به اینکه امنیت اجتماعی در بین گروه اجتماعی زنان در کلانشهر مشهد به صورت ذهنی مورد مطالعه در این پژوهش قرار گرفته است، تأکید بر رهیافت نظری می‌کند که بیش‌تر بر ارزش‌های ذهنی و گروهی تکیه کرده است. این رهیافت اشاره به این می‌کند که «تهدیدات، عمدتاً علیه ارزش‌ها و هویت‌های گروه‌های اجتماعی است و در نتیجه امنیت زمانی حاصل می‌گردد که گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود نموده و ایده‌ها و خواسته‌ها و ارزش‌های خود را حتی ابراز وجود نموده و ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند. پس مهمترین منبع تحقیق امنیت، خود جامعه و گروه‌های اجتماعی است.» (Ahmadi et al, 2010, p172). در این رهیافت امنیت اجتماعی یک گروه خاص در درون یک جامعه (مانند زنان) را با امنیت و حتی فراتر از تعهد دولت معطوف می‌سازد. رهیافت اخیر از لحاظ معرفت‌شناختی^۱ پسا مثبت‌گرایی^۲ بوده و تعریف عینی و مشخصی از انسان و امنیت را ارائه نمی‌دهد، بلکه نگاهی فرهنگی و تعاملی داشته در این زمینه نظریه‌های نظریه پردازان زیر در ارتباط با امنیت اجتماعی بیان می‌شود.

الف) از نظر مولار^۳ امنیت اجتماعی جوامع آشکار با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجز از آن است. «امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی که به دولت و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشند مربوط می‌شود، اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن به عنوان هویت یاد می‌شود. امنیت دولت دربرگیرنده

¹ Epistemology

² Pas- positivity

³ Moller

حاکمیت به عنوان معیار نهایی خود است، اما امنیت اجتماعی دربرگیرنده هویت است و هر دو آنان بر بقاء دلالت دارند» (Navidnia,2003.p61).

ب) بوزان^۱ بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این نظریه آغاز می‌کند و معتقد است «زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدید برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌های ارجاع داد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌های از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد.» (Navidnia,2003.p65).

ج) میران میتار^۲ وی برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستماتیک استفاده می‌کند و در این کار بر نظریه آنارشی اجتماعی بایلی تکیه می‌نماید. «وی تلاش می‌کند مسائل اجتماعی را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه و سیستم فراملی) تحلیل کند و از آنارشی^۳ به جای تعادل به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده می‌کند. در تئوری آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی نام می‌برند که عبارتند از جمعیت=P، اطلاعات=I، فضاء=S، تکنولوژی=T، سازمان=O و سطح کیفی امنیت (Level of quality of security)=L که معادله عوامل بالا به این صورت می‌باشد: $L=F(P,I,S,T,O)$ بر اساس این معادله می‌توان نتیجه گرفت که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضاء یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی بیش‌تری برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیش‌تری نسبت به سایر گروه‌ها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارد، برخوردار است.» (Ahmadi etal, Quotes Mitar,1996:7) (2010.p173)

د) وجود رهیافت فمینیستی بخش دیگری از مباحث امنیت اجتماعی زنان را می‌تواند مورد ارزیابی نظری قرار دهد. در این راستا پراکندگی نظری بسیاری در میان فمینیست‌ها وجود دارد که تجمیع نظر آن‌ها در اندیشه‌ای واحد را ناممکن می‌گرداند. اگرچه می‌توان عنوان نمود که رویکردهای فمینیستی به معنای کامل کلمه، رویکردهای امنیتی مردم محور هستند به عبارت دیگر فمینیست‌ها داعیه عطف توجه جریان مطالعات امنیتی به سطح خرد، یعنی شهروندان و افراد که غالباً در پرتو ملاحظات قدرت محور به فراموشی سپرده شده‌اند را دارند.

ه) از دیگر نظریه‌های موجود درباره امنیت اجتماعی افراد مدل پایگاه قدرت تئودور کمپر است. که در سه فرضیه خلاصه می‌شود. «۱- هر چه شخص در روابط اجتماعی افزایش قدرتی را

¹ Buzan

² Mitar

³ Anarchy

تجربه کند، احساس رضایت از امنیت و اعتماد بیش تر خواهد بود. ۲- هر چه شخص انتظار به دست آوردن قدرت در روابط اجتماعی را داشته باشد، ولی آن را بدست نیاورد، احساس اضطراب او و به صورت بالقوه احساس ترس او بیش تر خواهد بود. ۳- هر چه شخص بیش تر احساس کند که پایگاهش در روابط اجتماعی در حال صعود است، احساس رضایت و رفاه او بیش تر خواهد بود.» (Nasri, 2011, p61).

و) نظریات مرتبط با تاثیر فضاء و محیطی فیزیکی بر امنیت اجتماعی را می توان از مباحثی درخور توجه در این مسئله قرار داد. به عبارت دیگر «فضاها، بر رفتار فرد تاثیر می گذارند و می توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفت شوند، امری پذیرفتنی است. در این رویکرد که گاه بوم-شناختی خوانده می شود، تلاش بر این است که بین احساس فردی و متغیرهای زمینه ای مانند شهرنشینی، زندگی اجتماعی و آسفتگی مدنی ارتباط برقرار شود. برخی از مطالعات انجام شده در این رویکرد تلاش کرده اند نشان دهند که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد: از جمله می توان به این ایده اشاره کرد که علائم حاکی از انحطاط فیزیکی محله و ضعف کنترل های اجتماعی می توانند برداشت عمومی از خطر جرم و ناامنی را تحت تاثیر قرار دهد.» (Hoseini, 2007, p24)

ز) همان گونه که فضاها شهر می توانند با برنامه ریزی و طرح ریزی صحیح محل بروز و نمود فضائل انسانی باشند، «از جهت دیگر می توانند از طریق رهاشدگی و برنامه ریزی های نادرست و ساده انگارانه به مکان بروز انواع جرایم دفاع شهری تبدیل گردند. در این راستا، فضاها بدون دفاع شهری یا فضاها شهر می که نسبت به سایر فضاها، قابلیت بیش تری برای وقوع جرایم و تخلفات و اعمال نابهنجار دارند.» (Taherkhani, 2002, p88)، موجبات کاهش امنیت افراد و بویژه امنیت اجتماعی زنان را فراهم می آورند. وود^۱ اولین کسی بود که به ارتباط میان جرم و محیط فیزیکی اشاره می کند. او این بحث را مطرح می کند که چگونه ویژگی های ساختاری مربوط به گسترش منازل عمومی مانع تماس و ارتباط میان ساکنان آن که زیربنای (کنترل اجتماعی غیررسمی است) می شوند. نظریات مرتبط با تاثیر فضاء و محیطی فیزیکی بر احساس امنیت را می توان از مباحثی درخور توجه در این مسئله قرار داد. به عبارت دیگر «فضاها، بر رفتار فرد تاثیر می گذارند و می توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفت شوند، امری پذیرفتنی است. در این رویکرد که گاه بوم-شناختی خوانده می شود، تلاش بر این است که بین احساس فردی و متغیرهای زمینه ای مانند شهرنشینی، زندگی اجتماعی و آسفتگی مدنی ارتباط برقرار شود. برخی از مطالعات انجام شده در این رویکرد تلاش کرده اند نشان دهند که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد: از

¹ Wood

جمله می‌توان به این ایده اشاره کرد که علائم حاکی از انحطاط فیزیکی محله و ضعف کنترل‌های اجتماعی می‌توانند برداشت عمومی از خطر جرم و ناامنی را تحت تاثیر قرار دهد.» (Hoseini, 2007, p24)

جین جیکوبز^۱ از نظریه پردازان شهرسازی است که در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازد و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد محیطی امن و موفق، توجه و تأکید دارد (Rafieian et al, 2009, p51).

ح) رویکرد آسیب پذیری که نگاهی جمعیت شناختی دارد تأکید بر عوامل جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی و اقتصادی می‌کند. در این رویکرد جنسیت بیش‌ترین قابلیت را برای تشریح و پیش بینی احساس ناامنی دارد، مطالعات بسیاری بین این دو پدیده را تأیید کرده و نشان داده‌اند که معمولاً زنان بیش‌تر از مردان احساس ناامنی را گزارش می‌کنند. هم‌چنین زنان صرف نظر از سن شان بیش‌تر از مردان می‌ترسند و حال اینکه این ترس، متناسب با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد. هم‌راه با افزایش سن، نقش تفاوت‌های جنسیتی در پیدایش احساس ناامنی کاهش می‌یابد. با توجه به این رویکردهای ذکر شده در سطور قبل جدول زیر به صورت خلاصه اشاره به رهیافت‌های نظری قابل استفاده و در این تحقیق می‌کند که به صورت خلاصه به آن‌ها اشاره نموده‌ایم. چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از نظریات و رهیافت‌های ذکر شده در سطور بالا می‌باشد.

جدول شماره ۱: رویکردهای نظری مورد استفاده و متغیرهای مورد استفاده در آن نظریه

ردیف	رویکردهای نظری	متغیرهای مورد استفاده در هر نظریه
۱	رهیافت قدرت محور: نظم اجتماعی از شرایط وجوی امنیت اجتماعی است. که از طریق استمرار نظام ارزشی و فرایند جامعه پذیری حاصل می‌شود	فرهنگ و هنجارهای اجتماعی. وضعیت خانواده. حمایت اجتماعی
۲	رهیافت هویت محور: اشاره به دیدگاه پس‌پوزیتیویستی - تأکید بر جامعه-گروه های اجتماعی متفاوت- هویت و معنا- امنیت دورن زا و محصول اجتماعی.	خروج از خانه. نگرش به پوشش- مقاومت اجتماعی
۳	رهیافت فمینیسمی: برابری زن و مرد و رفع تبعیض زنان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی	شغل. درآمد. منطقه محل زندگی.
۴	نظریه فضای دفاع قابل شهری: تاثیر فضا بر رفتار فرد- تاثیر دوگانه فضا بر رشد یا بروز جرم در رفتار افراد	برنامه ریزی و طراحی شهری
۵	تئوری آنارشیستی: هر گروه اجتماعی که به اندازه بیشتری دارای متغیرهای(جمعیت، اطلاعات، فضا، تکنولوژی، سازمان) باشد از امنیت اجتماعی بیش‌تری برخوردار است	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
۶	رویکرد آسیب پذیری: تأکید بر عوامل جمعیتی همچون جنسیت- سن و موقعیت اجتماعی- اقتصادی	سن ° جنسیت- موقعیت اجتماعی و اقتصادی

¹ J. Jacobs

با توجه به مبانی نظری مورد مطالعه در تحقیق مذکور در سطور ذیل یکسری از فرضیات را به منظور نگرش افراد به امنیت اجتماعی زنان آورده ایم، که مهمترین فرضیات به شرح ذیل می‌باشد.

با توجه به مبانی نظری مورد مطالعه در تحقیق مذکور در سطور ذیل یکسری از فرضیات را به منظور نگرش افراد به امنیت اجتماعی زنان آورده ایم، که مهمترین فرضیات به شرح ذیل می‌باشد.

الف) به نظر می‌رسد بین امنیت اجتماعی زنان مناطق بالای شهر و مناطق پایین شهر تفاوت معناداری وجود دارد.

ب) بین برنامه ریزی و طراحی شهری مناسب‌تر و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

پ) بین حمایت اجتماعی از زنان و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ت) بین امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ث) بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط زنان و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ج) بین نگرش مثبت از خود و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

چ) بین نگرش به پوشش مثبت‌تر و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

د) به نظر می‌رسد بین متغیرهای مستقل تحقیق (استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش به پوشش، طراحی و برنامه ریزی شهری، نگرش فرد از خود، امنیت اقتصادی، امنیت اقتصادی) با امنیت اجتماعی زنان رابطه مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد.

ابزار و روش

این تحقیق نوعی بررسی مقطعی، تبیینی و پیمایشی است که با استفاده از تکنیک پرسشنامه مصاحبه‌ای به اطلاعات مورد نظر دست یافتیم. همچنین این تحقیق از نظر هدف، یک بررسی کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است؛ که با توجه به اثبات و یافته‌های بدست آمده، نتایج تحقیق را به زنان کلانشهر مشهد تعمیم داده ایم. جامعه آماری این پژوهش زنان بالای ۲۰ تا ۶۴ سال شهر مشهد بوده که در مناطق شهری مشهد سکونت داشته اند؛ و سطح واحد تحلیل فرد بوده است. با توجه به آخرین سرشماری موجود در سال ۱۳۹۰ حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و دقت برآورد $d=0/05$ و P پراکندگی بر اساس میزان بیش‌ترین جمعیت در هر منطقه یکی از ابعاد در مطالعه مقدماتی و پری تست با نمونه ۶۵ موردی بوده است. بر این اساس با توجه به سطح اطمینان ۹۵ درصدی و کاهش سطح خطای تحقیق تعداد ۳۹۱ نفر انتخاب شده‌اند که در مناطق مختلف شهری به جمع آوری اطلاعات پرداخته‌ایم. روش نمونه گیری در این تحقیق پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که برای انتخاب زنان ۲۰ سال به بالا با توجه به مناطق شهری تعدادی از محلات انتخاب شده، سپس از میان محلات انتخاب شده، بلوک‌هایی برگزیده‌ایم و نهایتاً

کار به انتخاب نمونه‌ای از خانوارها و استفاده از روش استاندارد برای انتخاب افراد در خانوارهای منتخب ختم گردید. با توجه به میزان روایی و اعتباری که هریک از متغیرهای مستقل و وابسته برای اثبات فرضیات باید داشته باشند بر اساس استفاده از تکنیک آلفای کرانباخ در نرم افزار Spss 20 سازه‌های ما در این تحقیق در حد مطلوبی دارای روایی بوده‌اند که جدول ذیل به طور خلاصه بیانگر این حد مطلوب است. برای تجزیه و تحلیل آماری از آزمون رگرسیون (برای آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته) و از آزمون T تفاوتی برای مقایسه بین منطقه محل سکونت زنان با امنیت اجتماعی در دو گروه زنان بالا و پایین شهر استفاده کرده ایم؛ در انتها مدل تحلیل مسیر با توجه به چارچوب نظری برای تاثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) استفاده کرده ایم.

جدول شماره ۲: ضریب آلفای کرانباخ

میزان آلفا	تعداد گویه	سازه‌ها
۰,۷۱۰	۱۰	امنیت اجتماعی
۰,۷۰۷	۴	حمایت اجتماعی
۰,۷۲۹	۴	نگرش فرد به خود
۰,۷۰۲	۴	امنیت اقتصادی
۰,۶۸۵	۴	نگرش به پوشش
۰,۶۰۶	۳	وسایل ارتباط جمعی
۰,۷۰۴	۵	برنامه ریزی و طراحی شهری

یافته‌ها

نتایج حاصل از نرم افزار آماری Spss را در دو بخش مجزا ارائه می‌نمائیم. ابتدا با توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان که بیش تر متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق بوده متمرکز شده و رابطه آن‌ها را با میزان امنیت اجتماعی مورد سنجش قرار داده ایم، در بخش بعدی علاوه بر توصیف و تحلیل متغیرهای اصلی تحقیق و آزمون فرضیات به تحلیل رابطه چند متغیره بر اساس رگرسیون چند گانه به روش گام به گام می‌پردازیم.

نتایج توصیفی

در این تحقیق مهمترین متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، وضعیت تاهل، تحصیلات را به عنوان متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته شده که در جامعه مورد مطالعه رابطه احتمالی با امنیت اجتماعی را دارد. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، پاسخگویان از لحاظ سنی به هشت گروه تفکیک شده‌اند که به جهت میزان بالای جمعیت گروه دوم فراوانی آن‌ها در نمونه زیر سایر گروه‌هاست.

جدول شماره ۳: ویژگی‌های جمعیت شناختی (متغیرهای زمینه‌ای)

متغیر	مولفه‌ها	فراوانی	درصد
وضعیت تحصیلی:	۲۰-۲۴ ساله	۱۰۳	۲۶/۳
	۲۵-۲۹ ساله	۱۲۵	۳۱/۹
	۳۰-۳۴ ساله	۶۰	۱۵/۳
	۳۵-۳۹ ساله	۲۹	۷/۴۱
	۴۰-۴۴ ساله	۳۵	۸/۹
	۴۵-۴۹ ساله	۲۳	۵/۸
	۵۰-۵۴ ساله	۱۲	۳/۰۶
	۵۵ ساله به بالاتر	۴	۱/۰۲
	متاهل	۱۸۰	۴۶/۰۳
	مجرد	۲۱۱	۵۳/۹۶
تحصیلات:	ابتدایی	۲۹	۷/۴۱
	راهنمایی	۲۴	۶/۱۳
	متوسطه	۱۳۰	۳۳/۲
	فوق دیپلم	۸۰	۲۰/۴
	لیسانس	۱۲۳	۳۱/۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۵	۱/۲۷

با توجه به یافته‌های بدست آمده از جدول بالا، می‌توان اشاره به این کرد که بیشترین افراد جامعه مورد مطالعه در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله قرار دارند (۳۱/۹٪). هم‌چنین ۴۶/۰۳ درصد زنان متاهل و مابقی مجرد بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات اکثریت افراد جامعه مورد مطالعه دارای تحصیلات متوسطه (۳۳/۲٪) و کارشناسی (۳۱/۴٪) بوده‌اند.

جدول شماره ۴: میزان امنیت اجتماعی زنان

سطح امنیت اجتماعی زنان	میزان امنیت اجتماعی زنان
امنیت اجتماعی سطح پایین	۴۴/۷
امنیت اجتماعی سطح متوسط	۵۸/۲
امنیت اجتماعی سطح بالا	۱/۱

با توجه به میانگین بدست آمده برای متغیر وابسته تحقیق ۲/۲۷ بوده است که بیانگر این است که امنیت اجتماعی زنان در کلانشهر مشهد متوسط روبه پایین است، بر این اساس امنیت اجتماعی پاسخگویان ۴۴/۷ درصد کم، ۵۸/۲ درصد متوسط و تنها ۱/۱ درصد افراد از امنیت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. این نتایج نشانگر این است که پایین بودن امنیت اجتماعی در بین زنان مشهد را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد.



شکل ۱: پیوستار میزان امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد

نتایج تبیینی

فرضیه اول: بین امنیت اجتماعی زنان مناطق بالای شهر و مناطق پایین شهر تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵: خلاصه تحلیل آماری مربوط به فرضیه اول

جنس	حجم نمونه	درصد میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد از میانگین
مناطق بالای شهر	۱۹۵	۱۸	۰/۵۹۲	۰/۰۴۱
مناطق پایین شهر	۱۹۵	۲۰	۰/۶۰۴	۰/۰۴۲

برای مقایسه میزان تفاوت معناداری امنیت اجتماعی در بین زنان مشهد، از نظر محل سکونت در مناطق مختلف شهری، ابتدا جامعه آماری زنان را به دو گروه تقسیم کردیم: گروه اول زنانی هستند که در مناطق بالا شهر مشهد یعنی مناطق ۱، ۹ و ۱۱ سکونت دارند و گروه دوم زنانی هستند که در مناطق پایین شهر (مناطق ۵، ۶ و ۷) سکونت دارند. از آزمون T برای مقایسه و تفاوت سطح معناداری بین این دو گروه استفاده کرده ایم. در جدول بالا میانگین، انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد از میانگین در این دو منطقه مشاهده می‌گردد.

جدول شماره ۶: تفاوت معناداری امنیت اجتماعی زنان در مناطق شهری

امنیت اجتماعی زنان	F آزمون	T آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری
وارپانس های برابر	۰/۰۰۰	۱/۵۸۸	۰/۳۹	۰/۱۱۳

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا، مشاهده می‌گردد که سطح معناداری آزمون T، بالاتر از ۰/۰۵ است؛ که می‌توان نتیجه گرفت، بین احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق بالای شهر و پایین شهر تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد سطح امنیت اجتماعی زنان در کلانشهر مشهد، به طور کلی بالا نبوده است و تفاوت چندان اثر گذاری بین منطقه محل سکونت و امنیت اجتماعی یافت نمی‌شود.

فرضیه دوم: بین برنامه‌ریزی و طراحی شهری مناسب‌تر و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۷: میزان همبستگی متغیر برنامه ریزی و طراحی شهری و امنیت اجتماعی

شاخص	تعداد نمونه	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)
برنامه ریزی و طراحی شهری و امنیت اجتماعی	۳۹۱	**۰/۳۹۲	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول فوق، بین دو متغیر برنامه ریزی شهری - طراحی مناسب شهری و امنیت اجتماعی زنان به میزان درصد $0/392^{**}$ رابطه مستقیم وجود دارد، بدین مفهوم که تغییرات در متغیر برنامه ریزی و طراحی شهری باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی زنان) خواهد شد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون، کوچک‌تر از $0/05$ به دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تایید می‌شود. نتیجه می‌گیریم بین برنامه‌ریزی و طراحی شهری مناسب‌تر و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین حمایت اجتماعی از زنان و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸: میزان همبستگی متغیر حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی

شاخص	تعداد نمونه	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)
حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی	۳۹۱	۰/۰۶۹	۰/۲۴۷

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول فوق، بین دو متغیر حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی به میزان $0/069$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد، بدین مفهوم که تغییرات در متغیر حمایت اجتماعی زنان باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی زنان) خواهد شد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون، بزرگ‌تر از $0/05$ است، بنابراین فرضیه پژوهش تایید نمی‌شود و می‌توان در این پژوهش نتیجه گرفت؛ بین حمایت اجتماعی زنان و امنیت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه چهارم: بین امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۹: میزان همبستگی متغیر امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی

شاخص	تعداد نمونه	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)
امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی	۳۹۱	**۰/۰۲۹	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول فوق، بین دو متغیر برنامه ریزی و طراحی شهری مناسب‌تر و امنیت اجتماعی زنان به میزان $0/029$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد، بدین مفهوم که تغییرات در متغیر امنیت اقتصادی باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی زنان) خواهد شد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون، کوچک‌تر از $0/05$ به

دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تایید می‌شود. نتیجه می‌گیریم بین امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط زنان و امنیت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: میزان همبستگی متغیر رسانه‌های جمعی و امنیت اجتماعی

شاخص	تعداد نمونه	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)
رسانه های جمعی و امنیت اجتماعی	۳۹۱	۰/۵۳۲**	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول فوق، بین متغیر دو رسانه‌های جمعی و امنیت اجتماعی زنان به میزان ۰/۵۳۲ درصد رابطه مستقیم وجود دارد، بدین مفهوم که تغییرات در متغیر رسانه‌های جمعی باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی زنان) خواهد شد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون، کوچک‌تر از ۰/۰۵ به دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تایید می‌شود. نتیجه می‌گیریم بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط زنان و امنیت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین نگرش مثبت از خود و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۱: میزان همبستگی متغیر نگرش مثبت از خود و امنیت اجتماعی

شاخص	تعداد نمونه	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)
نگرش مثبت از خود و امنیت اجتماعی	۳۹۱	۰/۳۲۲	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول فوق، بین دو متغیر نگرش مثبت از خود و امنیت اجتماعی زنان به میزان ۰/۳۲۲ درصد رابطه مستقیم وجود دارد، بدین مفهوم که تغییرات در متغیر نگرش مثبت از خود باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی زنان) خواهد شد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون، کوچک‌تر از ۰/۰۵ به دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تایید می‌شود. نتیجه می‌گیریم بین نگرش مثبت از خود و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین نگرش به پوشش مثبت‌تر و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱۲: میزان همبستگی متغیر نگرش به پوشش مثبت و امنیت اجتماعی

شاخص	تعداد نمونه	همبستگی پیرسون	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)
نگرش به پوشش مثبت و امنیت اجتماعی	۳۹۱	۰/۴۸۰**	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون در جدول فوق، بین دو متغیر نگرش به پوشش مثبت و امنیت اجتماعی زنان به میزان $0/480$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد، بدین مفهوم که تغییرات در متغیر نگرش به پوشش مثبت باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (امنیت اجتماعی زنان) خواهد شد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون، کوچک‌تر از 0.05 به دست آمده است، بنابراین فرضیه پژوهش تایید می‌شود. نتیجه می‌گیریم بین نگرش به پوشش مثبت‌تر و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

بطور خلاصه می‌توان گفت، در واقع بین متغیرهای مستقل رسانه‌های جمعی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری، نگرش فرد از خود، تصور فرد از پوشش مثبت خود، و امنیت اقتصادی و میزان امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد و بین متغیر حمایت اجتماعی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری یافت نمی‌شود.

جدول زیر نتایج اصلی رگرسیون را نشان می‌دهد. برای این که شدت میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را مشاهده کنیم از این نتایج استفاده کردیم. در این جدول، ضریب بتا اهمیت نسبی متغیرها را بیان می‌کند و بزرگ بودن بتا اهمیت و نقش آن را در پیشگویی متغیر وابسته مشخص می‌کند.

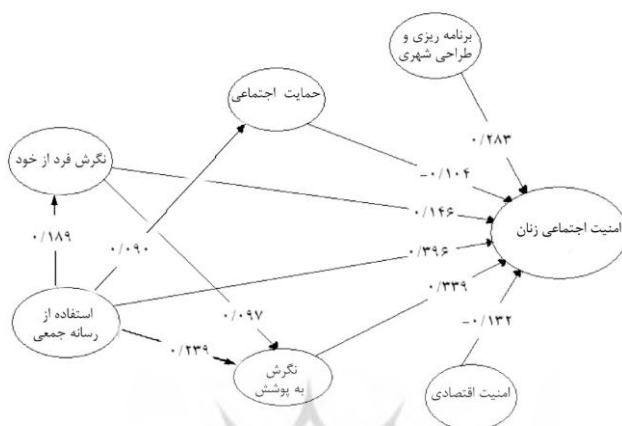
جدول شماره ۱۳: ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل بر امنیت اجتماعی زنان

متغیرهای مستقل	ضرایب معیارنشده		t	سطح معناداری
	B	ضرایب معیارشده خطای معیار بتا		
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	$0/352$	752	8.506	0.000
نگرش به پوشش	$0/372$	560	8.892	0.000
طراحی و برنامه ریزی شهری	$0/312$	555	8.333	0.000
نگرش فرد از خود	$0/186$	417	4.242	0.000
امنیت اقتصادی	$-0/132$	-1525	-3.138	0.002
امنیت اقتصادی	$-0/127$	-182	-2.925	0.004

با توجه به این جدول باید بیان نمود که میزان امنیت اجتماعی زنان در مشهد متأثر از متغیر مستقل رسانه‌های جمعی به میزان $(+0,752)$ و نگرش به پوشش به میزان $(+0,560)$ ، برنامه ریزی و طراحی شهری به مقدار $(+0,555)$ ، نگرش فرد از خود $(+0,417)$ ، امنیت اقتصادی به میزان $(-1,52)$ و متغیر حمایت اجتماعی به میزان $(-0,182)$ می‌باشد. هم‌چنین مدل تحلیل مسیری مدل رگرسیونی فوق، به شکل زیر قابل ارائه است.

فرضیه هشتم: به نظر می‌رسد بین متغیرهای مستقل به عنوان عوامل مختلف اجتماعی (استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش به پوشش، طراحی و برنامه ریزی شهری، نگرش فرد از خود، امنیت

اقتصادی، امنیت اقتصادی) اثرگذار بر امنیت اجتماعی زنان رابطه مستقیم و غیر مستقیم وجود دارد.



شماره ۲: مدل تحلیل مسیری

طبق نظریات مطرح شده در این پژوهش، و مدل تحلیل مسیر که در صفحه قبل مشاهده می‌گردد؛ امنیت اجتماعی زنان، تحت تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل (برنامه ریزی و مدیریت شهری، حمایت اجتماعی، امنیت اقتصادی، نگرش به پوشش، استفاده از رسانه‌های جمعی و نگرش فرد از خود) قرار دارد.

با توجه به نظر باری بوزان^۱ که بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این نظریه آغاز می‌کند معتقد است که زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدید برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. این نیروهای اجتماعی و یا به قول میتار^۲، سیاسی می‌تواند در وجود امنیت و احساس ایمنی نقش داشته باشد. نیروهایی از قبیل برنامه‌ریزی‌های نامناسب شهری، تبلیغات سوء رسانه‌ای، عدم امنیت اقتصادی و... و کنترل این نیروها به امنیت اجتماعی ختم می‌شود.

جین جیکوبز^۳ می‌گوید: آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله پلیس تأمین نمی‌شود؛ ولی با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش فضای شهری ابتدا به وسیله شبکه‌ی ناخودآگاه و پیچیده‌ی اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. این شبکه پیچیده می‌تواند از نگرش‌ها و حمایت‌های اجتماعی در میان مردم نشأت بگیرد. نگرش‌هایی مانند نگرش فرد از خود و نگرش

¹ B. Buzau

² M. Mitar

³ J. Jacobs

نسبت به پوشش که از مبانی دینی نیز برخوردار است؛ می‌تواند در ایجاد و ارتقاء امنیت اجتماعی مؤثر باشد. در این تحقیق نشان دادیم؛ متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی بر روی نگرش فرد از خود، نگرش به پوشش و حمایت اجتماعی تأثیر می‌گذارد و این متغیرها به غیر از تأثیر مستقیمی که بر متغیر وابسته می‌گذارند از این طریق نیز تأثیر غیرمستقیم بر امنیت اجتماعی زنان می‌گذارند. هم‌چنین نگرش فرد از خود بر نگرش به پوشش تأثیرگذار است و از این طریق نیز تأثیر غیرمستقیمی بر امنیت اجتماعی زنان می‌گذارد.

جدول شماره ۷- تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در مدل تحلیل

مسیر			
تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	اثرات کلی	متغیرهای مستقل
	۰/۲۳۹	۰/۶۸۹	
۰/۳۹۶	۰/۰۹۰	۰/۴۸۶	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
	۰/۱۸۹	۰/۵۸۵	
۰/۳۳۹	-	۰/۳۳۹	نگرش به پوشش
۰/۲۸۳	-	۰/۲۸۳	طراحی و برنامه ریزی شهری
۰/۱۴۶	۰/۰۹۷	۰/۲۴۳	نگرش فرد از خود
-۰/۱۳۲	-	-۰/۱۳۲	امنیت اقتصادی
-۰/۱۰۴	-	-۰/۱۰۴	حمایت اجتماعی

بحث و نتیجه گیری

امنیت اجتماعی از بعد ذهنی از مفاهیم عمده در بحث امنیت هر جامعه ای در حوزه مطالعات روانشناسی و جامعه شناختی است. این مفهوم همانند سایر مفاهیم دیگر از پیچیدگی و نامفهومی خصیصه ذاتی و ماهوی برخوردار است. امروزه با گسترش فضای شهرها و افزایش جمعیت، شاهد حضور گسترده و روز افزون زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هستیم، اما حضور زنان در جامعه از یک سو می‌تواند سبب پیشرفت در زندگی شخصی آنها و در نتیجه در روند جامعه شود؛ و از سوی دیگر این گسترده‌گی و حضور روزافزون زنان، مسائلی را نیز دربر دارد که یکی از آنها احساس ناامنی آنها در جامعه است. عوامل زیادی در به خطر افتادن امنیت اجتماعی زنان می‌تواند دخیل باشد؛ در این مقاله به چند نمونه از این موارد پرداخته شد. در این تحقیق ابتدا امنیت اجتماعی در رهیافت‌ها و نظریات مختلف اجتماعی براساس الگوی نظری (ترکیبی از نظریه فضای دفاع قابل شهری، رهیافت فمینیسمی و ...) تعریف شد و سپس در رابطه با متغیرهای (استفاده از وسایل ارتباط جمعی، امنیت اقتصادی، حمایت اجتماعی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری، نگرش فرد از خود، نگرش به پوشش) سنجیده شد.

نتایج توصیفی متغیر وابسته تحقیق نشان می‌دهد که میزان امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد در حد متوسط به پایین است. میانگین به دست آمده برای متغیر وابسته تحقیق ۲/۲۷ بوده است که بین کم و متوسط (مایل به متوسط) قرار دارد. این نتایج می‌تواند نگرانی‌هایی را از وجود امنیت و ایمنی در بین زنان و خصوصاً مسئولان بوجود آورد. با توجه به سوال باز در پرسشنامه مبنی بر پیشنهادهای ارتقاء سطح امنیت اجتماعی مهمترین پیشنهاد ارائه شده از سوی زنان در سطح جامعه شهری به ترتیب فراوانی عبارتند از: رعایت پوشش و آرایش مناسب از سوی زنان (۲۵/۷٪)، فرهنگ سازی (۲۲٪)، برخورد جدی پلیس با عوامل ناامنی زنان (۲۰/۲٪)، وضع قوانین جدی و شدید برای مزاحمین (۱۰/۵٪)، افزایش آگاهی زنان (۱۰٪)، افزایش گشت انتظامی (۹/۱٪) افزایش وسایل نقلیه ویژه زنان (۵/۵٪)، روابط خانوادگی مسالمت آمیز (۳٪)، رفتار مناسب پلیس با زنان (۲/۵٪)، روشنایی معابر (۱/۹٪) و... در مباحث تبیینی و استنباطی و ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش (امنیت اجتماعی)، تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته معنی دار بدست آمده است. همان‌گونه که بیان شد مهمترین عامل تأثیر گذار استفاده از وسایل ارتباط جمعی است که بیش‌ترین میزان بتا را داشته است، بعد از آن نیز متغیرهای نگرش به پوشش، طراحی و برنامه-ریزی شهری، تصور فرد از خود، امنیت اقتصادی، و حمایت اجتماعی به ترتیب بر امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد اثر گذار بوده است.

طبق فرضیه اول در این تحقیق با استفاده از آزمون تفاوتی T میزان امنیت اجتماعی در دو گروه یعنی در دو مناطق بالای شهر (۱، ۹ و ۱۱) و مناطق پایین شهر (۵، ۶ و ۷) بررسی گردید. به عبارتی دیگر، در این تحقیق تفاوت در منطقه محل سکونت و امنیت اجتماعی بررسی شد و مشاهده گردید، تفاوتی در میزان امنیت اجتماعی زنان در مناطق مختلف پایین شهر و بالای شهر مشاهده نمی‌شود.

در تحقیق نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸) نیز نشان داده شده که بیش‌تر پاسخگویان (۵۳/۵) درصد در محل سکونت خود احساس امنیت خیلی کمی دارند و هیچ پاسخگویی وجود نداشته که در محل سکونت خود کاملاً احساس امنیت کند (Noroozi et al, 2009: 152). همانطور که تحقیقات پیشین نیز نشان می‌دهند؛ وجود احساس امنیت در بین زنان بیش‌تر از مردان، در بین متاهلین بیش‌تر از مجردین، در بین افراد شاغل بیش‌تر از بیکاران، و در بین افرادی با سطح تحصیلات پایین‌تر از افراد تحصیل کرده دارد (RajabiPour, 2004, p.25). در پژوهش (RajabiPour, 2004)، نیز سطح تحصیلات نوع شغل و وضع تأهل، تفاوت معناداری را با میزان امنیت اجتماعی نشان می‌دهد.

نتایج نشان می‌دهد امنیت اجتماعی در سطح شهر مشهد نسبتاً پایین است؛ ولی با این حال برخی از محله‌های شهر نسبت به محله‌های دیگر از امنیت بالاتری برخوردار است. موضوع امنیت

محل سکونت موضوعی است که باید دقیق تر و به عنوان موضوع اصلی پژوهش بررسی گردد. در برخی از جوامع مانند فرانسه محلات و شهرک‌های دارای نرخ بالای آسیب‌های اجتماعی به عنوان محل امنیت، محله‌های حساس، مسئله دار ... اطلاق می‌شود. (تقریباً مشابه اصطلاحاتی که در افکار عمومی جامعه ما به عنوان محله‌های خلاف، خطرناک و .. گفته می‌شود). ناامنی محله‌های مسکونی در مناطق مختلف کلانشهر مشهد و افزایش جرم و آسیب‌های اجتماعی این محلات مسئله ای است که موجب لطمه زدن به امنیت اجتماعی کل شهر می‌گردد.

طبق فرضیه دوم، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ارتبا معنادار و مستقیمی را با امنیت اجتماعی زنان دارد. همانطور که می‌دانیم، برای رسیدن به احساس امنیت، دولت و مردم هرکدام به نسبتی باید نقش و وظیفه خود را ایفاء کنند، تحقق امنیت تنها به اتکای دولت و نیروهای رسمی جامعه صورت نمی‌گیرد. بلکه امنیت متکی به دیگر بسترهای اجتماعی نیز هست؛ و فارغ از ایدئولوژی و نیروی مسلط در بستری از یکسان نگری جریان می‌یابد. برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت شهری مناسب می‌تواند از بسیاری تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی پیشروی زنان جلوگیری کند. وجود مدیریت شهری مطلوب راه رسیدن به امنیت اجتماعی را آسان تر می‌کند.

در فرضیه سوم، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، حمایت اجتماعی با امنیت اجتماعی رابطه معناداری ندارد؛ به عبارت دیگر زنانی که از منابع حمایتی و شبکه‌های اجتماعی بهره مند باشند، تاثیر با ارتقاء امنیت اجتماعی آنان ندارد. ولی چلبی (Chalabi, 2006)، در نظریه نظم اجتماعی خود در بعد حمایت اجتماعی به نتایج دیگری دست یافته است، طبق نظر وی افزایش چگالی و فراوانی روابط حمایتی، باعث همبستگی عاطفی و احساس امنیت می‌شود.

براساس فرضیه چهارم، نشان دادیم که امنیت اقتصادی عاملی است که با امنیت اجتماعی زنان رابطه دارد. یکی از مسائلی که در این تحقیق از نگرانی‌های زنان در بحث امنیت اجتماعی مطرح بود، نگرانی زنان و دختران تحصیل کرده و بیکار از وضعیت بد اقتصادی خود و سطح پایین درآمد خانواده‌ها بود. این عدم امنیت اقتصادی در موارد زنانی که خانه دار نیز بودند به چشم می‌خورد. زنان در خانواده نقش اصلی را در مصرف و خرید خانه برعهده دارد. بنابراین درگیر مسایل اقتصادی و تأمین رفاه خانواده می‌باشند. وجود نگرانی از امنیت اقتصادی منجر به نگرانی و عدم امنیت اجتماعی می‌گردد.

رابطه رسانه‌ها در امنیت اجتماعی زنان در فرضیه پنجم، مطرح شد، طبق نتایج این تحقیق رسانه‌ها بیش‌ترین تأثیر را بر میزان امنیت اجتماعی زنان می‌گذارد. هم‌چنین طبق مدل تحلیل مسیر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها نشان داده شده است. در این میان استفاده از رسانه‌های جمعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم سهم بیش‌تری در اثرگذاری بر امنیت اجتماعی زنان را به خود اختصاص داده است. وسایل ارتباط جمعی تأثیر بسزایی در بالا بردن آگاهی افراد جامعه

در زمینه‌های مختلف دارند؛ لذا پیشنهاد می‌شود که نیروی انتظامی با استفاده از رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون و تهیه برنامه‌های فرهنگی آموزشی هشدارهای لازم را برای تقویت احساس امنیت شهروندان داده و در پرداختن به امور امنیت شهروندان با مردم و رسانه‌ها به دور از هرگونه سوگیری، تقابل و همکاری لازم را داشته باشند. مطبوعات و مجلات نیز می‌توانند با خبررسانی سریع و صادقانه اخبار مربوط به عواملان ناامنی و مجازات آنان را به اطلاع شهر وندان برسانند.

نتایج بعدی پژوهش نشان می‌دهد، نگرش از خود و نگرش نسبت به پوشش نیز با احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری دارد. متأسفانه دیدگاه‌های سوئی که نسبت به زنان در جامعه ما وجود دارد، باعث گردیده که اغلب به زنان به عنوان وسیله کامجویی نگریسته شود و در هر مکانی که زنان وارد می‌شوند، حتی اماکن رسمی و اداری افراد سودجو و بیمار در پی فرصت و سوء نظر به زنان باشند. و به طور کلی با دیدی لذت گرایی به زنان نگریسته می‌شود. این دیدگاه‌ها باعث گردیده که زنان در جامعه، به عنوان جنس دوم محسوب گردیده و از امنیت اجتماعی پایین‌تری برخوردار شوند.

هم‌چنین، برخی از زنان برای هویت یابی خود از طریق نشان دادن ظاهر و کنترل زیبایی خود، معیارهای اسلامی و عرفی در مورد حجاب و پوشش را رعایت نمی‌کنند؛ پوشش و حجاب در این صورت، به عنوان مسئله و سدی در مقابل امنیت اجتماعی شناخته می‌شود. طبق اظهار نظر بسیاری از پاسخگویان، گسترش بدحجابی، پوشش‌های نامناسب، آرایش‌های نامعقول عاملی است که موجب ایجاد مزاحمت، افزایش فساد اجتماعی، بی بندوباری شده و امنیت اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد. با توجه به نتایج تحقیق و آزمون فرضیه‌های مربوط به متغیرها پیشنهادهایی برای افزایش امنیت اجتماعی زنان به شرح ذیل می‌توان بیان کرد.

همان‌گونه که اشاره شد، زنان بخش عمده‌ای از زندگی روزمره و اجتماعی خود را در شهر با وسایل نقلیه عمومی می‌گذارند، لذا افزایش ناوگان تاکسی‌های شخصی زن، ایستگاه‌های مناسب با فواصل معین، تنظیم روشنایی مناسب ایستگاه‌ها، معایر و کوی‌ها و محلات، افزایش ساعات حمل و نقل در شب بالاخص در فصل تابستان و زمستان، افزایش ناوگان حمل و نقل اختصاصی بانوان در شهر، از سوی مدیریت شهری با همکاری سایر دستگاه‌های ذیربط باید مد نظر قرار گیرد.

برنامه ریزی شهری از سوی شورای اسلامی و مدیریت شهری کلانشهر مشهد، جهت تامین نیازها و درخواست‌های زنان از جمله افزایش فضای سبز شهری، احداث بوستان بانوان در نقاط مختلف شهر، احداث خانه‌های فرهنگی با ماهیت فعالیت‌های زنان و خانواده در سطح شهر، ساماندهی و نظارت بر تاسیسات خدمات شهری در حوزه بانوان و.....

همکاری بین رسانه‌های جمعی (مطبوعات، صدا و سیما، استانی، فضاهای مجازی و...) در راستای بالابردن سطوح مختلف آگاهی‌های زندگی شهری، تدوین و تهیه برنامه‌های فرهنگی و روانی برای خانواده‌ها، بسترسازی و تبلیغات آموزشی و هشدارها جهت تقویت امنیت اجتماعی شهروندان بالاخص بانوان در سطح شهر.

شناسایی و ساماندهی خلاقیت‌های زنان کار آفرین در سطح شهر با همکاری مشارکت پایدار دستگاه‌های دولتی و سمن‌ها جهت پرورش توانمندی‌ها و شکوفایی استعدادها. ترغیب و تشویق خانواده‌های شهری به سمت بهره‌مندی از دفاتر خدمات مشاوره‌ای و روانشناختی دستگاه‌های حاکمیتی و بخش خصوصی جهت حل مشکلات و معضلات اجتماعی و فرهنگی.

افزایش برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و امنیتی برای زنان و خانواده در سطح شهر با مشارکت دستگاه‌های ذیربط اجتماعی و انتظامی.

ارتقاء سطح دانش و آگاهی شهروندان از قوانین، و مجازات نامنی برای نوامیس و خانواده از سوی پلیس، برخورد قاطع اجتماعی و قانونی با مزاحمین و خلافکاران از سوی نیروی انتظامی و دستگاه قضایی؛ افزایش و قابل دسترس بودن گشت‌های ویژه در مکان‌های عمومی (تجاری و تفریحی) محلات جرم خیز؛ نصب تابلوها و پلاکاردهای آموزشی و یا هشدار دهنده در این مکان‌ها، ساماندهی منطقی پوشش و لباس متناسب با فرهنگ عامه شهروندان و برخورد مسالمت آمیز و غیر مغرضانه با زنان در قالب طرح‌های امنیت اجتماعی که اخیراً اجرا می‌گردد.

Refrence

- Ahmadi, Yaghub, Esmaeili, Ata. (2010). **Social Security is based on the measurement of women in Mashhad multidimensional and interdisciplinary**. Journal of Applied Sociology University of Isfahan, Volume2, Number38, p.169-190. PERSIAN.
- Azimi Hashemi, Mojghan, (2005).**Comparative analysis of socio-economic security of Mashhad, Iran**. Journal of Culture Khorasan, Fifth Year, Volume. 13, Summer Course, p172-198, PERSIAN
- Bayat, Bahram, (2009). **Sociology feels of Security**. AmirKabir Publications. Tehran. PERSIAN
- Bari Buzan. (2000). **People, States and Fear**. Translation Institute for Strategic Studies. Institute for Strategic Studies Publications. Tehran. PERSIAN
- Chalabi.Masood,(2006). **Toward the general views of social abnormality**. Publication Neai. Tehran:. PERSIAN
- Firoozabadi, Seiyed Ahmad, Jajarmi, Husein, (2004). **Social capital and economic development in metropolitan Tehran**. Journal of Social Welfare, sixth year, Volume23, p.197-224. PERSIAN
- Hosseini, Husein. (2007). **A sense of security: theoretical reflections based on research findings**. Security Issues. Fifth year, Volume4, Summer Course, p.19-27. PERSIAN
- Hosseini, Husein. (2007). **Sense of security in the community**. Security Issues Sixth year.Volume1, Fall Course, p40-54. PERSIAN.
- Lindstrom etal, (2003) **Social Capital and Sense of Security in Neighborhood**. Social Science & Medicine. Vol: 56. No: 5, p 87-100.
- Mitar, Miran, (1996) **Assessment of societal security in recent past and today**, college of police and security studies, Slovenia.
- Moller, Bjorn, (2000) **National, Societal and Human Security Discussion** ° case study of the Israel ° Palestine conflict.
- Muezzin Jami, Mohammed Hadi, (2000). **Introduction to Security and its components**, Journal of Disciplinary knowledge, p 3-22, PERSIAN.
- Nasri, Ghadir, (2011). **A Theoretical Introduction Societal Security**, Institute or Humanities and Cultural Studies, Tehran, PERSIAN.
- Navidnia, Manijeh, (2003). **Introduction to Social Security**, Journal of Strategic Studies, Sixth year, No1, p55-76, PERSIAN.

- Navidnia, Manijeh, (2005). **Theoretical reflections on social security**, with an emphasis on security, Journal of Strategic Studies, Nine year, No1, p53-72, PERSIAN.
- Noroozi, Feize Al, Fooladi sepehr, Sara. (2009). **Study societal security and social factors affecting women 29-15 years in Tehran**, Journal of Strategic Studies eighteenth year, No. 53, p. 129-159, PERSIAN
- Rajabi Pour, Mahmood, (2005). **Factors affecting income security**, an exploration of the various aspects of public safety and police, Collection Articles, Volume2, Unpublished University of Security Sciences, p76-93PERSIAN
- Rafieian, Mojtaba, Asgari, Ali, Asgarizadeh, Zahra, (2009). **Measuring satisfaction residential neighborhood Nawab**. Research in human geography, No67, p53-68, PERSIAN
- Rezaei, Ali Mohamed, (2006). **M.S Thesis Construction and Validation of test security, insecurity and its relation to the addictive potential of students in public universities in Tehran**. Unpublished, Allameh Tabataba'i University, PERSIAN.
- Ritzer, George, Goodman, Douglas. (2011).**Modern sociological theory**. (Translator Khalil Mirzai & Abbas Lotfi zadeh), Jameeshenasan pub, Tehran, PERSIAN.
- Roei, Pol, (2003). **Social Security dilemma** (Navidnia, Manijeh). Journal of Strategic Studies, Sixth year, No3, p 605-708. PERSIAN.
- Taherkhani. Habibullah, (2002). **Development of viable urban communities**. Journal of Urban Management, Volume9, Spring Course, P 76-92, PERSIAN.
- Torabi, Joseph, Goudarzi, Ayat, (2004). **Values and Societal Security**. Journal of Security Knowledge, sixth year, Volume2, p.31-46. PERSIAN